

فقه نظام‌ساز

فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی
سال سوم، شماره‌ی یازدهم، پاییز ۱۴۰۳

بررسی فقهی و حقوقی اهدای جنین: تحلیل احکام و آثار آن

مهدی گرامی پور^۱

چکیده

اهدای جنین یکی از روش‌های نوین در حوزه‌ی درمان ناباروری است که امکان فرزندآوری را برای زوجین نابارور فراهم می‌کند. این روش با وجود مزایای آن، پرسش‌های متعدّد فقهی و حقوقی درباره‌ی مشروعیت، نسب، ارث، نفقه، حضانت و نکاح فرزند حاصل از این فرآیند را مطرح کرده است. مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع اسلامی (قرآن، روایات، و فتاوی فقها) و قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی مشروعیت اهدای جنین و آثار فقهی و حقوقی مترتب بر آن می‌پردازد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظریات مختلفی درباره‌ی مادر و پدر فرزند وجود دارد و تعیین نسب، ارث، و سایر احکام به شدت به این موضوع وابسته است. در مواردی چون نکاح و محرمیت نیز رعایت احتیاط شرعی ضروری است. این مقاله در تلاش است تا با ارائه‌ی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی، چارچوبی روشن و منسجم برای این موضوع ارائه دهد.

واژگان کلیدی: اهدای جنین، نسب، ارث، نفقه، حضانت، نکاح، محرمیت

۱. عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۲ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸



۱. مقدمه

پیشرفت‌های علمی در حوزه‌ی باروری و درمان ناباروری، امکان اهدای جنین را به‌عنوان یکی از روش‌های جایگزین برای زوجین نابارور فراهم کرده است. اهدای جنین به معنای انتقال جنین حاصل از لقاح زوجین به رحم زنی دیگر یا انتقال به رحم یکی از زوجین گیرنده است. در حالی که این روش امیدی برای تحقق آرزوی فرزندآوری در زوجین نابارور است، مسائل و چالش‌های متعددی را در حوزه‌های فقهی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی به همراه دارد.

در نظام حقوقی و فقه اسلامی، موضوع اهدای جنین با پرسش‌هایی بنیادین روبه‌روست، از جمله:

۱. مشروعیت یا عدم مشروعیت اهدای جنین.
 ۲. تعیین نسب فرزند حاصل از اهدای جنین.
 ۳. آثار حقوقی این پدیده بر ارث، حضانت، و ولایت.
 ۴. رابطه محارم میان والدین اهداکننده، گیرنده، و فرزند.
- اختلاف‌نظرهای قابل‌توجهی میان فقهای شیعه و اهل سنت درباره‌ی جواز اهدای جنین، شرایط و حدود آن وجود دارد که این مسئله را به چالشی مهم در فقه اسلامی تبدیل کرده است.

از منظر حقوقی، قانون «نحوه‌ی اهدای جنین به زوجین نابارور» مصوب ۱۳۸۲ تلاش کرده است چارچوبی قانونی برای این موضوع ارائه دهد، اما این قانون فاقد پاسخ جامع به برخی از پرسش‌های اساسی است. از جمله ابهامات قانونی می‌توان به تعیین نسب فرزند، روابط ارثی، و ولایت قانونی والدین بیولوژیکی و گیرنده اشاره کرد. علاوه بر این، حقوق فرزند حاصل از اهدای جنین و پیامدهای روانی و اجتماعی برای خانواده‌ها نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

در مسئله‌ی اهدای جنین، چهار صورت اصلی مطرح می‌شود:

۱. اسپرم و تخمک از زن و شوهر است و تنها تلقیح در خارج رحم اتفاق می‌افتد.
۲. اسپرم از مرد اجنبی و تخمک از زن صاحب رحم است.



۳. تخمک از زن اجنبی و اسپرم از شوهر زن صاحب رحم است.

۴. اسپرم و تخمک از مرد و زن اجنبی هستند و جنین به رحم زن گیرنده منتقل می‌شود.

این پژوهش بر صورت چهارم متمرکز است، زیرا این حالت بیشترین پیچیدگی‌های فقهی و حقوقی را به همراه دارد. معیار بررسی در این مقاله، اجنبی بودن زن صاحب رحم است و اجنبی بودن یا نبودن صاحبان اسپرم و تخمک تأثیری در تحلیل فقهی و حقوقی این مسئله ندارد. برای بررسی این موضوع، نیاز است در دو مقام اصلی بحث شود:

۱. مقتضای ادله‌ی اجتهادی: بررسی دلایل شرعی و استناد به آیات و روایات برای تحلیل مشروعیت اهدای جنین.

۲. مقتضای اصل عملی: تعیین حکم در شرایط شک و نبود دلیل کافی. در این بخش، اصل عملی هم از منظر «اصل اولی» و هم «اصل ثانوی» بررسی می‌شود. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع اسلامی (قرآن، سنت، و فتاوی فقها) و قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (مانند قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور)، تلاش می‌کند تا با بررسی فقهی و حقوقی موضوع اهدای جنین در صورت چهارم، پاسخی منسجم به سؤالات اصلی پژوهش ارائه دهد.

پرسش اصلی تحقیق:

حکم فقهی و حقوقی اهدای جنین در صورتی که هم اسپرم و هم تخمک از مرد و زن اجنبی باشند چیست؟

این پژوهش، در فرض چهارم اهدای جنین، با تفکیک موضوعی استمتاع از استیلا، نشان می‌دهد ادله‌ی حفظ فروج، قدر متیقن رفتاری (مباشرت جنسی) را پوشش می‌دهد نه فرآیندهای زیستی فاقد استمتاع. سپس با تحلیل دلالتی روایات مشهور و اجرای اصل برائت در شبهه‌ی حکمیه، مبنای جواز مشروط را تقویت می‌کند. افزون بر این، چارچوبی اجرایی برای قانون ۱۳۸۲ (ثبت نسب ژنتیکی/



رحمی، مدیریت محرمانگی، سامان ارث/ولایت/حضانت) پیشنهاد می‌شود که در آثار پیشین کمتر تبیین شده است. از آنجا که نوع شبهه در مسئله‌ی اهدای جنین، از نوع شبهه‌ی حکمی‌ی تحریمی‌ی است و مقتضای اصل عملی در این گونه شبهات، برائت است لذا با نقد ادلّه‌ی حرمت اهدای جنین، جواز و حلیّت آن اثبات می‌شود بنابراین در این مقاله بر نقد ادلّه‌ی حرمت اهدای جنین تمرکز می‌شود اگرچه دلایلی نیز بر جواز اهدای جنین اقامه شده است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. اسپرم

اسپرم یا اسپرماتوزوئید، سلول تولیدمثل جنس نر است که در اکثر جانوران و از جمله انسان توسط بیضه‌ها تولید می‌شود. اسپرم از دو بخش اصلی تشکیل شده است: ۱- سر، که حاوی هسته سلولی و مواد وراثتی (۲۳ کروموزوم) است و ویژگی‌های ژنتیکی پدر را به فرزند منتقل می‌کند.

۲- دم، که با حرکت موجی و سریع، اسپرم را به سمت تخمک هدایت می‌کند. در فرآیند اهدای جنین، اسپرم می‌تواند از زوجین اهداکننده یا از بانک اسپرم تهیه شود. در صورت استفاده از اسپرم فردی غیر از شوهر، مباحثی همچون تعیین نسب، محرمیت، و مسائل حقوقی و فقهی مرتبط با اهدای جنین مطرح می‌شود. از نظر علمی، اسپرم می‌تواند تا چند روز در بدن انسان زنده بماند و در صورت انجماد، برای مدّت طولانی نگهداری و برای تلقیح مصنوعی استفاده شود. این ویژگی در فرآیند اهدای جنین به‌ویژه در بانک‌های اسپرم کاربرد فراوانی دارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۴۴)

۲-۲. تخمک

جزئی از منی حیوان یا انسان ماده است. در جانور شناسی به تخمک «اُوول» گفته می‌شود که پس از ترکیب با «اسپرم جنس نر، هسته‌ی اولیه‌ی جنین شکل می‌گیرد. فقها در مسائل مستحدثه از احکام بارور کردن تخمک و نیز نابارور سازی آن سخن گفته‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۰۰) در فقه اسلامی، تخمک به‌عنوان بخشی از فرآیند تولیدمثل مورد بحث قرار گرفته



است. فقها در مسائل مستحدثه به موضوع بارور کردن تخمک، انتقال آن به رحم دیگر، و نابارورسازی آن پرداخته‌اند. این مسائل در موضوع اهدای جنین و تلقیح مصنوعی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا استفاده از تخمک زن اجنبی یا مادر جایگزین، پرسش‌هایی درباره‌ی نسب، ارث، و ولایت فرزند ایجاد می‌کند. در فرآیند اهدای جنین، استفاده از تخمک یک زن غیر از زن صاحب رحم (مادر جایگزین) از مسائل اصلی مورد بحث است. این مسئله آثار حقوقی و فقهی مانند تعیین نسب فرزند و وضعیت او در نظام ارث و محارم را مطرح می‌سازد.

۳-۲. جنین

واژه‌ی جنین از ریشه «جَنَّ» به معنای پوشیده‌بودن گرفته شده است. این واژه به موجود زنده‌ای اطلاق می‌شود که تا پیش از تولد، در رحم مادر قرار دارد و به دلیل مخفی‌بودنش جنین نامیده شده است. بر همین اساس، معنای جنین در کتب لغت چنین آمده است: (الجنین: الولد مادام فی بطن أمه لاستتاره فیه و جمعه أجنّه و أجنن، و قد جَنَّ الجنین فی الرحم و أجنّته الحامل) (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۷۵؛ شرتونی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۱۰)؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ابراهیم، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۲۲۰) جنین، فرزند است تا زمانی که در شکم مادرش است و به علت مخفی‌بودنش در رحم (جنین نام گرفته است). در قرآن نیز واژه‌ی جنین به این معنا به کار رفته است: ﴿وَإِذَا أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ (نجم، ۳۲)

جنین در اصطلاح فقها به فرزندی گفته می‌شود که در رحم مادر قرار دارد و تا پیش از ولادت این عنوان بر او اطلاق می‌شود. فقها اغلب جنین را در بحث‌های ارث، وصیت، و هبه مورد توجه قرار داده‌اند و تعریف مستقلی از آن ارائه نداده‌اند. شهید ثانی: «الجنین و هو الولد مادام فی بطن الام. جنین به فرزند گفته می‌شود، تا زمانی که در رحم است.» (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۹)

در قوانین ایران، که مبنای آن فقه امامیه است، تعریف صریحی از جنین ارائه نکرده‌اند. با این حال، در مواد قانونی مرتبط با ارث، وصیت، و هبه، حقوق جنین مشروط به زنده متولد شدن او است. جنین همان نطفه‌ی استقرار یافته در رحم است



که تا زمان تولد، از این عنوان برخوردار است. در فرآیند اهدای جنین، وضعیت فقهی و حقوقی جنین حاصل از لقاح اسپرم و تخمک افراد غیر از زوجین گیرنده، اهمیت زیادی دارد. تعیین اینکه جنین به چه کسی از نظر نسب تعلق دارد و چه حقوقی از جمله ارث، حضانت، و ولایت برای او در نظر گرفته می‌شود، یکی از چالش‌های اساسی است که این مقاله به آن می‌پردازد.

۳. ادله‌ی قائلین به حرمت اهدای جنین

۳-۱. آیات

پیش از ورود به تحلیل آیات، باید تأکید کرد که استدلال قائلین به حرمت اهدای جنین، عمدتاً بر اساس مفاد آیات مرتبط با حفظ فروج و حرمت هرگونه رابطه نامشروع یا غیرمعارف است. این آیات را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

دسته‌ی اول: آیاتی که مفاد آنها وجوب حفظ فروج است و کشف عورت و

فرج را حرام دانسته است مانند:

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیات ۵-۷: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُوجُوهِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾»

۲. سوره‌ی معارج، آیات ۲۹-۳۱: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُوجُوهِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾»

تقریب استدلال:

این آیات بر وجوب حفظ فروج و حرمت هرگونه بهره‌برداری جنسی خارج از محدوده‌ی ازدواج و روابط مشروع تأکید دارند. با توجه به منظومه‌ی روایی شیعه که بر احتیاط در امور مربوط به فروج تأکید دارد، می‌توان استدلال کرد که هرگونه اقدام مرتبط با تولد فرزند از طریق انتقال نطفه و تلقیح در رحم زنی غیر از همسر، مشمول این آیات می‌شود. روایت امام صادق (ع) که فرمودند: «أمر الفرج شدید و منه یکون الولد و نحن نحتاط (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۴۲۴، ح ۵)» نیز بر لزوم احتیاط در هرگونه



اقدامی که مرتبط با تولد فرزند است، تأکید می‌کند. لذا باید از هرگونه اقدامی که باعث اشتباه در نسب یا بهره‌برداری نامشروع از نطفه و رحم شود، پرهیز کرد.

نقد و بررسی:

اولاً: مفاد این آیات صرفاً به حفظ فروج از روابط نامشروع (مانند زنا، لواط، استمناء، یا اتیان بهائم) اشاره دارد و حرمت جعل نطفه در رحم زن اجنبی را به صراحت بیان نمی‌کند.

ثانیاً: در این آیات، بهره‌گیری از فروج در چارچوب ازدواج یا ملک یمین مجاز شمرده شده است. اما اقداماتی مانند اهدای جنین که صرفاً برای تولد فرزند انجام می‌شود و در آن استمتاع جنسی وجود ندارد، خارج از دایره‌ی موضوع این آیات است.

ثالثاً: هدف آیات مذکور بیان حرمت روابط جنسی نامشروع است و نمی‌توان آن را به موضوع استیلا (تولد فرزند) تعمیم داد. اهدای جنین صرفاً فرآیندی زیستی است که برای باروری و تولد فرزند طراحی شده است و با استمتاع جنسی ارتباطی ندارد. رابعاً: روایت امام صادق (ع) گرچه بر اهمیت احتیاط در امور مربوط به فروج تأکید دارد، اما لزوماً دال بر حرمت اهدای جنین نیست. این روایت احتیاط را توصیه می‌کند، اما حرمت را به صراحت بیان نمی‌کند.

دسته‌ی دوم: آیاتی که صفات مؤمنین را بیان می‌کند مانند:

آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ... وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ...».

تقریب استدلال:

این آیات، مؤمنان را به پرهیز از هرگونه بهره‌برداری غیرمشروع از فروج خود، چه از نظر استمتاع و چه از نظر استیلا، توصیه می‌کند. طبق این دیدگاه، اهدای جنین نیز، به دلیل دخالت در فرآیند باروری از طریق رحم اجنبی، مشمول حرمت است و نقض حفظ فروج به شمار می‌رود. دستور به حفظ فروج در این آیات، فراتر از زنا و لواط بوده و شامل هرگونه بهره‌برداری غیرشرعی می‌شود. علامه‌ی طباطبایی در تفسیر المیزان بیان می‌کند: این آیات نه فقط در مورد زنا و لواط، بلکه در عموم



مواردی که حفظ فروج لازم است، کاربرد دارند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۱)

نقد و بررسی:

مفاد آیات صرفاً بر لزوم پرهیز از گناهان جنسی (مانند زنا و لواط) و نگاه حرام تأکید دارد. حفظ فروج در این آیات، به معنای حفظ از گناهان جنسی است و شمول آن نسبت به فرآیندهای علمی مانند اهدای جنین (که هدف آن کمک به زوجین نابارور است) ثابت نشده است. حتی با استناد به دیدگاه علامه‌ی طباطبایی که دایره‌ی حفظ فروج را گسترده‌تر از زنا و لواط می‌داند، دلالت بر حرمت اهدای جنین نیازمند دلیل تکمیلی است چرا که موضوع آیات درباره‌ی استمتاع جنسی و روابط نامشروع است، در حالی که اهدای جنین فرآیندی زیستی برای باروری است و با استمتاع جنسی ارتباطی ندارد. هدف از اهدای جنین، تولّد فرزند برای زوجین نابارور است که در آن هیچ‌گونه استمتاع جنسی یا بهره‌برداری غیرمشروع وجود ندارد.

دسته‌ی سوم: آیاتی که به مؤمنین دستور می‌دهد نگاه خود را از نامحرمان

حفظ کنند مانند:

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره‌ی نور «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُرْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»

تقریب استدلال:

تعبیر «حفظ فرج» در این آیات، مفهومی کلی است که هرگونه تصرف غیرمشروع در ناحیه‌ی تناسلی را ممنوع می‌کند. این تصرف می‌تواند «نگاه حرام»، «زنا»، «ارتباط جنسی نامشروع»، یا هر گونه «ورود نطفه‌ی غیر» به رحم باشد. طبق این دیدگاه، رحم زن باید از هر عملی که با ماهیت عفاف و حریم زناشویی ناسازگار است، مصون و محفوظ باشد. در نتیجه، اهدای جنین یا تلقیح نطفه‌ی مرد اجنبی بدون عقد شرعی (حتی اگر عمل لقاح در بیرون از بدن صورت گیرد و صرفاً جنین به رحم منتقل شود) نقض این حریم و خلاف «حفظ فرج» خواهد بود. همان‌طور که «حفظ فرج» زن در برابر رابطه‌ی جنسی نامشروع الزامی است، حفظ رحم او از لقاح با نطفه‌ی اجنبی نیز به همان قیاس ضروری خواهد بود. از طرف دیگر، آیه دارای «اطلاق» است که



هر نوع استفاده‌ی خلاف شرع از دستگاه تناسلی را دربر می‌گیرد لذا «حفظ فرج» فقط مانع زنا نیست، بلکه مانع از هر روشی (طبیعی یا مصنوعی) می‌شود که بارداری از غیر شوهر را رقم بزند. پس اهدای جنین و تلقیح نطفه‌ی فرد اجنبی بدون عقد شرعی، حرام است.

نقد و بررسی:

اولاً: روایات متعددی در تفسیر همین آیات نور نقل شده که تصریح می‌کنند «حفظ فرج» در این جا، اختصاصاً به معنای پرهیز از نگاه‌کردن و دیده‌شدن موضع عورت است، نه مسئله‌ی زنا یا بارداری. در اینجا به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

۱. و قوله: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ). فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّانَا - إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ فَلَا يَجِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ - وَلَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۸).
۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بَرِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو الرَّبِيعِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... وَ قَالَ (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ) مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَ تَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّانَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶)

ثانیاً: تمسک به این آیه برای منع از پذیرش نطفه غیر، از قبیل تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه‌ی خودش است. مفاد آیه این است که زن باید فرجش را حفظ کند و مراد، تحفظ آن از امور غیر جایز است و آیا دخول نطفه‌ی غیر یا جنین اهدایی در رحم حرام است تا تحفظ از آن لازم باشد؟ برای اثبات حرمت آن نمی‌توان به این آیه تمسک کرد.

ثالثاً: تحفظ، مستلزم نگهداری شیء از امور مضرّ است و گرنه به نسبت امور غیر مضرّ اصلاً حفظ معنا ندارد زیرا این پرسش که آیا ورود جنین اجنبی به رحم زن مصداق عمل حرام است، خود نیازمند اثبات است؛ و تا زمانی که حرمت آن روشن



نشده، نمی‌توان آیه را دلیل بر حرمت دانست. و تمسک به آیه برای اثبات حرمت آن تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه‌ی خودش است.

دسته‌ی چهارم: آیاتی که در آن نهی از فحشا شده بسیار است که به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی نحل: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

تقریب استدلال:

در کلمات برخی از لغوین آمده است که فاحشه یعنی هر فعل یا قول زشت (ابن منظور، بی تا، ج ۶، ص ۳۲۵). حال یا فاحشه برای هر چیزی که عرفاً زشت و قبیح باشد وضع شده است و یا اینکه فاحشه برای آنچه در واقع و نفس الامر قبیح است وضع شده است و راه کشف اینکه چه چیزی در واقع زشت و قبیح است تشخیص عرف است. تلقیح زن با نطفه اجنبی از امور مستقبح و زشت در نظر عرف است و تفاوتی ندارد زن مجرد باشد یا شوهر داشته باشد و بر اساس این آیات ممنوع است.

نقد و بررسی:

تمسک به این آیات برای حرمت تلقیح زن با نطفه‌ی اجنبی صحیح نیست چون فاحشه یعنی گناهان بزرگ و نمی‌توان گفت هر آنچه عرفاً قبیح و زشت است فاحشه است. و خود شارع برخی مصادیق آن را مشخص کرده است که همین برای دفع اجمال و منع از رجوع به عرف و تمسک به اطلاق مقامی کافی است. پس مفاد این آیات، نهی خاص از برخی از معاصی است که علاوه بر نهی از ارتکاب معاصی به صورت خاص هم مجدداً مورد نهی قرار گرفته‌اند.

۲-۳. روایات

در این بخش به سه روایت برای حرمت اهدای جنین تمسک شده:

روایت اول: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَبَ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمِ يَحْرُمِ عَلَيْهِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۱).



بررسی سندی: تمامی روایات سند این روایت ثقه‌ی امامی هستند بنابراین روایت صحیح است.

تقریب استدلال: مفاد این روایت، حرمت قرار دادن نطفه در رحم زنی است که وطی او حرام است و در محل بحث ما نیز این چنین است. پس هر جایی جماع با زنی برای کسی حرام باشد، قرار دادن نطفه در رحم او نیز برای آن فرد حرام است و روایت اطلاق دارد یعنی قرار دادن نطفه حرام است هر چند به غیر جماع مثل تلقیح مصنوعی باشد.

نکته‌ای که در استدلال به این روایت شریفه باید مورد توجه قرار گیرد این است که هر جا عنوان «رجل» موضوع برای حکم خودش قرار گرفته باشد، از آن الغای خصوصیت می‌شود و روایت حکم زن را نیز بیان می‌کند. اگر چه که زن، نطفه ندارد تا آن را در رحم قرار بدهد اما مفاد روایت بعد از الغای خصوصیت از «رجل» این است که کاری که برای مرد حرام است برای زن هم حرام است و کاری که بر مرد حرام بود قرار دادن نطفه‌اش در رحم زن است پس برای زن هم قرار دادن نطفه مرد در رحمش حرام است.

نقد و بررسی: احتمال دارد مفاد این روایت، حرمت انزال در خصوص موارد زنا باشد و لذا شامل غیر فرض زنا نمی‌شود و ورود این احتمال قابل توجه، ظهور دلیل را مخدوش کرده و آن را از حجیت ساقط می‌کند. از سوی دیگر می‌توان گفت اطلاق روایت نسبت به تلقیح مصنوعی عرفاً محل تأمل است، زیرا تعبیر «أَقْرَ نَطْفَتَهُ» غالباً ظهور در مباشرت جنسی دارد.

روایت دوم: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ سَمِعْتُ غَيْرَ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَرْوِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ص لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا أَوْ إِمَامًا أَوْ هَدَمَ الْكِعْبَةَ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ أَوْ أَفْرَعَّ مَاءَهُ فِي امْرَأَةٍ حَرَامًا. (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۰)

بررسی سندی: در سند این روایت قاسم بن محمد اصفهانی است که نجاشی (رجال النجاشی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۵) و علامه‌ی حلی (رجال العلامة، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۴۸) او را



تضعیف کرده‌اند بنابراین روایت ضعیف است.

تقریب استدلال: این روایت شریف دلالت می‌کند که گذاشتن ماء الرجل به تنهایی گناهی نابخشودنی مانند کشتن امام و نبی است و برابری این گناه با قتل پیامبر یا امام یا تخریب کعبه، بیانگر شدت قبح آن در نگاه شریعت است.

نقد و بررسی: احتمال دارد «حَرَاماً» حال از «أَفْرَعٌ» باشد و فقط همان افراع و خالی کردنی که از راه صحیح نیست حرمت دارد نه این که خالی کردن ماء الرجل در رحم زن نامحرم به طور مطلق حرمت داشته باشد لذا در این صورت، این روایت قابل استدلال در مقام نیست چرا که حرمت تلقیح نطفه در رحم معلوم نیست و با وجود این احتمال، استدلال به این دلیل صحیح نیست.

روایت سوم: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا جَمَعَ الرَّجُلُ أَرْبَعًا فَطَلَّقَ إِحْدَاهُنَّ فَلَا يَتَزَوَّجُ الْخَامِسَةَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّةَ الْمَرْأَةِ الَّتِي طَلَّقَ وَ قَالَ لَا يَجْمَعُ الرَّجُلُ مَاءً فِي خُمْسٍ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۲۹).

بررسی سندی: تمامی روایت سند این روایت ثقه‌ی امامی هستند بنابراین روایت صحیح است.

تقریب استدلال: در این روایت، مرد از داشتن رابطه و تولید نسل با بیش از چهار زن به طور هم‌زمان نهی شده است. از آنجا که نکاح پنجم غیرشرعی است، جعل نطفه در رحم زن پنجم نیز نامشروع تلقی شده است. لذا نتیجه گرفته می‌شود که قرار دادن نطفه در رحم زن نامحرم، ولو به تلقیح، حرام است. حتی اگر یکی از زنان طلاق داده شود، تا پایان عده‌اش، آن زن شرعاً همسر او محسوب می‌شود، بنابراین هنوز چهار زن دارد. به همین دلیل ازدواج جدید تا پایان عده، باطل یا حرام خواهد بود.

نقد و بررسی: اولاً: روایت ناظر به حکم نکاح است نه تلقیح؛ و ارتباط آن با انتقال نطفه به صورت زیستی، نیازمند قیاس یا توسعه‌ی موضوع است که دلیل معتبر شرعی ندارد. ثانیاً: مفاد روایت در سیاق جمع بین زوجات بیان شده و دلالت روشنی بر حکم تلقیح ندارد. ثالثاً: حمل «جمع ماء» بر جمع نطفه به صورت علمی یا بیولوژیک، بدون قرینه، خلاف ظاهر است.



۴. آثار فقهی اهدای جنین

اهدای جنین به‌عنوان یکی از روش‌های جایگزین برای درمان ناباروری، علاوه بر ابعاد پزشکی، چالش‌های عمیق فقهی و حقوقی را به همراه دارد. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از نقش‌های متعدّد والدین زیستی (صاحب اسپرم و تخمک) و والدین نگهدارنده (صاحب رحم یا والدین دریافت‌کننده) در فرآیند باروری و پرورش فرزند است. از منظر فقه اسلامی، اهدای جنین فراتر از یک فرآیند پزشکی صرف است و آثار و پیامدهای مهمی در حوزه‌های نسب، ارث، نفقه، نکاح و حضانت به همراه دارد.

این آثار نه‌تنها به مسائل حقوقی مرتبط با حقوق فرزند و والدین می‌پردازد، بلکه به‌طور مستقیم با احکام شرعی نظیر مشروعیت، محرّمیت و رعایت مصالح اجتماعی نیز در ارتباط است. در این راستا، شناخت دقیق این آثار و تبیین دیدگاه‌های فقهی و حقوقی مرتبط، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین حکم شرعی اهدای جنین و ساماندهی این موضوع در نظام اسلامی ایفا می‌کند.

در این بخش، تلاش می‌شود تا با استناد به منابع اسلامی و تحلیل آراء فقها، آثار فقهی مترتب بر اهدای جنین به‌طور جامع بررسی شود. این بررسی از منظر عملی و نظری، هم برای فقها و هم برای قانون‌گذاران، ابعاد مهمی از این موضوع را روشن خواهد ساخت.

۴-۱. نسب

یکی از مهم‌ترین آثار فقهی اهدای جنین، تعیین نسب فرزند است. روشن شدن وضعیت نسب، بسیاری از مسائل دیگر از جمله ارث، حضانت و ولایت را نیز مشخص می‌کند. فارغ از حکم جواز یا عدم جواز، بررسی نسب جنین اهمیت بسیاری دارد. باید توجه داشت که در نسب برای پدر یک عامل در نظر گرفته می‌شود و آن اسپرم است ولی برای مادر دو عامل تخمک و رحم لحاظ می‌شود که باید بررسی شود پدر و مادر این جنین متولّد شده چه کسانی هستند.



تخمک از او گرفته شده است. (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۳؛ سیستانی، ۱۴۲۴، ص ۵۳۳؛ روحانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲۰) در تعلیل این نظریه می توان گفت که کامه‌ی تخم یعنی اصل و دانه و ریشه‌ی هر چیزی، و تخمک زن، اصل و ریشه‌ی طفل است بنابراین فقط وی مادر است. همچنین رحم نمی تواند ریشه‌ی جنین باشد؛ چون رحم صرفاً نقش حفظ و تغذیه‌ی تخمک بارور شده را ایفا می کند؛ به همین علت صاحب رحم مادر نیست.

همان‌گونه که بیان شد در عرف و بنابر اجماع فقها، پدر، همان صاحب اسپرم است. در عرف نیز همین معنا برای مادر وجود دارد که طفل از دو ماده اسپرم و تخمک زن تشکیل می شود اگرچه در رحم تغذیه و رشد داده می شود ولی تولّد طفل مستند به اسپرم و تخمک است.

۲. صاحب رحم مادر است: بر اساس این دیدگاه، مادر کسی است که جنین را در رحم خود پرورش داده و زایمان کرده است. (خوبی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۲۰؛ اراکی، ۱۳۷۳، صص ۲۵۰-۲۵۱) دلایل این نظریه عبارتند از:

الف: آیه‌ی دوم سوره‌ی مجادله: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»

تقریب استدلال: آیه تصریح دارد که مادر طفل، منحصرأً کسی است که او را متولّد کرده است چه آن مادر صاحب نطفه و تخمک باشد و چه نباشد.

نقد و بررسی: مقدّمات اطلاق نسبت در اینجا، تمام نمی باشد زیرا آیه در صدد بیان تعیین مادر نیست بلکه در صدد نفی مادرشدن از زنی است که ظهار شده است زیرا اعتقاد آنها این بود هنگامی که مردی زنی را ظهار کند آن زن تبدیل به مادرش می شود. ب: روایات باب رضاع که مفاد آن قاعده‌ی رضاع است (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) که به دو روایت اشاره می شود:

روایت اول: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۷).

بررسی سندی: تمامی روات سند این روایت ثقه‌ی امامی هستند بنابراین روایت

صحیحه است .



روایت دوم: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتَانِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ ظَرِيفٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا يَحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ إِذَا رَضَعَ حَتَّى يَمْتَلِي بَطْنُهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ وَ ذَلِكَ الَّذِي يُحْرَمُ. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۳۸۳).

بررسی سندی: تمامی روات سند این روایت نیز همانند روایت پیشین ثقه‌ی امامی هستند بنابراین روایت صحیح‌ه است.

تقریب استدلال: این روایات دلالت می‌کنند که مادر بودن منحصر در صاحب نطفه نیست بلکه مادر و پدر رضاعی هم مادر و پدر به شمار می‌آیند. نقد و بررسی: در این روایات مادر و پدر رضاعی در حکم مادر و پدر واقعی قرار داده شده است و این حکم فقط در مسائل محرمیت است و دیگر احکام بر آن‌ها بار نمی‌شود مانند ارث و مسائل دیگر.

۳. دو مادری (صاحب تخمک و صاحب رحم): در این دیدگاه، هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم، مادر کودک محسوب می‌شوند (سند، ۱۴۲۳، ص ۸۸). تقریب استدلال: در تولید مثل سه رکن اساسی اسپرم، تخمک و رحم مؤثر است. همان‌گونه که صاحب اسپرم به صورت طبیعی پدر محسوب می‌شود، صاحب تخمک و صاحب رحم نیز مادر طفل می‌باشند. در چنین حالتی اگر صاحب تخمک و صاحب رحم یکی باشد، همان شخص مادر است و اگر صاحب رحم فردی غیر از صاحب تخمک باشد، هر دوی آنان مادر خواهند بود. نقد و بررسی: این دیدگاه با پیچیده کردن مسئله، مشکلات عملی در موضوعات حقوقی مانند ارث و حضانت ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، در منابع فقهی و حقوقی، نظریه‌ی دو مادری مورد حمایت کافی قرار نگرفته است.

۲-۴. ارث

یکی از آثار مهم اهدای جنین، تعیین وضعیت ارث فرزند است. ابتدا باید بررسی شود که آیا فرزندی که از این روش متولد می‌شود، اساساً مستحق ارث است یا خیر؟ با توجه به اینکه ریشه و اصل این فرزند از انسان است، حتی اگر به روش‌های



غیر معمول متولد شده باشد، حقّ ارث برای او متصوّر است. دلیل این امر وابستگی او به اصل انسانی است.

به جهت وابستگی این مسئله به مسئله‌ی نسب می‌توان گفت اقوال در این مسئله مبتنی بر اقوال در مسئله‌ی نسب است لذا به عنوان نمونه فقهای که صاحب رحم را مادر طفل می‌دانند در مسئله‌ی ارث هم بین طفل و صاحب رحم رابطه وراثت را محقّق می‌دانند. اما فقهای که نظریه‌ی دو مادری را انتخاب کرده‌اند باید به این سؤال پاسخ دهند که ارث این طفل از هر دو مادر به چه صورت است؟ آیا از هر مادر فرض خود را می‌برد و یا از دو مادر، فرض طفل برداشته می‌شود؟ و از طرف دیگر آیا هر مادر فرض خود را می‌برد و یا فرض مادر بین دو مادر تقسیم می‌شود؟ برخی معتقد هستند که سهم مادر در این مورد مانند سهم زوجه در صورت تعدّد زوجات است. (سند، ۱۴۲۳، ص ۸۸)

۳-۴. نفقه

مسئله‌ی نفقه نیز به نسب وابسته است. مطابق ماده‌ی ۱۱۹۹ قانون مدنی، نفقه فرزند بر عهده‌ی پدر و پس از آن بر عهده‌ی جدّ پدری و در صورت نبودن آنها در عهده‌ی مادر است. فقهای که اهدای جنین را جایز نمی‌دانند، این عمل را مشابه زنا نمی‌دانند. بنابراین، حتی اگر این فرزند از راه غیر متعارف به دنیا آمده باشد، نفقه‌ی او بر عهده‌ی صاحب اسپرم است. در مواردی که زنا نیز مطرح باشد، باز هم مسئولیت نفقه بر عهده‌ی صاحب اسپرم باقی می‌ماند. دلیل این امر وابستگی طبیعی و بیولوژیکی فرزند به صاحب اسپرم است و این وابستگی موجب ایجاد حق نفقه برای کودک می‌شود.

۴-۴. نکاح

مسئله‌ی نکاح نیز تابع بحث نسب و سبب است. از آنجا که ازدواج یکی از مسائل حساس در فقه اسلامی است و شارع مقدس توجّه ویژه‌ای به آن دارد، فقها در این زمینه نهایت احتیاط را رعایت کرده‌اند. حتی اگر نظریات مختلفی در مورد تعیین نسب مطرح باشد، باید تمامی جوانب محرمیت و احکام مربوطه سنجیده شود.



برخی از فقها معتقدند در موردی که هر دو مادر نقش دارند، در ترتب احکام مادری و فرزندی باید احتیاط کرد و ثبوت محرمیت بین طفل و صاحب رحم و لو حکم به انتساب طفل به صاحب رحم نشود، برقرار است (سیستانی، ۱۴۲۴، ص ۵۳۳؛ سند ۱۴۲۳، ص ۸۸؛ مکارم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۲۷).

۴-۵. حضانت

حضانت طفل متولد شده از راه‌های متعارف، بر عهده‌ی پدر و مادر است و این موضوع در شرع به تفصیل بیان شده است. قانون مدنی، حضانت طفل را هم حق و هم تکلیف می‌داند. حال سؤال این است که در مورد طفلی که از طریق اهدای جنین متولد شده است، حضانت بر عهده‌ی چه کسی خواهد بود؟ این مسئله نیز مانند مسائل قبل به موضوع نسب وابسته است. تا زمانی که طفل به سنی برسد که بتواند از خود مراقبت کند، حضانت او باید بر عهده‌ی پدر و مادری باشد که در بحث نسب مشخص شده‌اند. بیشترین چالش در این زمینه مربوط به فقهای است که نظریه‌ی دو مادری را پذیرفته‌اند. این دسته از فقها باید مشخص کنند که کدام یک از دو مادر در حضانت طفل اولویت دارند.

با این حال، از آنجا که فقه و حقوق اسلامی به شدت مصلحت طفل را در نظر می‌گیرد، این سؤال مطرح است که حضانت طفل در دوران شیرخوارگی بر عهده‌ی چه کسی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد با توجه به مصلحت طفل، حضانت او در این مدت به صاحب رحم واگذار شود، زیرا او توانایی و قابلیت رضاع را دارد.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی فقهی و حقوقی «اهدای جنین» در فرض خاصی که اسپرم و تخمک از غیرزوجین و رحم از زن گیرنده است، نگارش شد. در بخش نخست، ادله‌ی فقهی قائلان به حرمت بررسی شد. روایات سه‌گانه‌ای که برای اثبات حرمت اهدای جنین مورد استناد قرار گرفته بود، از حیث دلالت و اطلاق، نقد و بررسی شد. تحلیل روایی نشان داد که این ادله، یا ناظر به موارد مباشرت جنسی حرام‌اند و قابلیت سرایت به تلقیح مصنوعی را ندارند، یا دلالت آن‌ها بر حرمت،



ظهور عرفی و فقهی روشنی در فرض مورد بحث ندارد؛ حاصل اینکه این ادله برای اثبات حرمت اهدای جنین در فرض مذکور، کفایت نمی‌کنند. در بخش دوم مقاله، آثار فقهی و حقوقی مترتب بر اهدای جنین تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که:

- ۱- در باب نسب، اکثریت فقها، صاحب اسپرم را پدر می‌دانند و در مورد مادر، سه دیدگاه «صاحب تخمک»، «صاحب رحم» و «دو مادری» مطرح است.
 - ۲- در باب ارث، قائلان به انتساب نسب به صاحبان نطفه، ارث را نیز میان ایشان برقرار می‌دانند و در صورت پذیرش دو مادری، پیچیدگی‌هایی در سهم الارث پدید می‌آید که نیازمند تحلیل حقوقی مستقل است.
 - ۳- در باب نفقه، نظر مشهور آن است که نفقه‌ی کودک بر عهده‌ی صاحب اسپرم خواهد بود؛ چراکه بین او و فرزند، پیوند طبیعی و تکوینی برقرار است.
 - ۴- در باب نکاح، مسئله‌ی محرمیت ایجاب می‌کند که نکاح میان کودک و زن صاحب تخمک یا رحم ممنوع باشد؛ فقها در این باره احتیاط شرعی را لازم می‌دانند.
 - ۵- در باب حضانت، هر چند تعیین والدین شرعی بر عهده بحث نسب است، اما به لحاظ مصالح کودک، حضانت در دوران شیرخوارگی به زن صاحب رحم واگذار می‌شود، مگر آنکه موانع شرعی یا عقلی وجود داشته باشد.
- در نهایت، با کنار گذاشتن ادله‌ی غیرمعتبر حرمت و بررسی منضبط آثار فقهی و حقوقی این موضوع، می‌توان گفت اهدای جنین در فرض یادشده، اگر در چارچوب ضوابط شرعی و با رعایت مصالح و حقوق کودک و جامعه صورت گیرد، فاقد مانع شرعی قطعی بوده و قابل پذیرش در فقه امامیه است. با این حال، برای قانون‌گذاری شفاف و رعایت مصالح عمومی، ضروری است که ابعاد حقوقی و آثار اجتماعی آن با دقت و جامع‌نگری در نظام تقنین و اجرا لحاظ گردد.



فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳ق). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. اراکی، محمد علی. (۱۳۷۳ش). استفتانات. قم: موسسه چاپ الهادی.
۵. تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۲۴ق). صراط النجاة. قم: دارالصدیقه الشهیده.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۷. حسینی، شهاب الدین. (۱۴۲۲ق). التلقیح الصناعی بین العلم و الشریعه. بیروت: دارالهادی.
۸. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامه الحلی. قم: الشریف الرضی.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۱۰. خمینی، روح الله. (۱۳۹۲ش). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).
۱۱. خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریر الوسیله. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۱ق). المسائل الشرعیة. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی
۱۳. روحانی، سید صادق. (۱۳۸۲ش). استفتانات. تهران: حدیث دل.
۱۴. سند، محمد. (۲۴۲۳ق). فقه الطب و التضخم التقدی. بیروت: موسسه ام القری للتحقیق و النشر.
۱۵. سیستانی، سید علی. (۱۴۲۴ق). المسائل المنتخبة. قم: موسسه المحیین للطباعة و النشر.
۱۶. شبیری زنجانی، موسی. (بی تا). کتاب نکاح (شبیری). قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۷. شرتونی، سعید. (۱۳۷۴ش). أقرب الموارد في فصیح العربیة و الشوارد. تهران: منظمة الأوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (بی تا). الروضة البهیة في شرح اللمعة الدمشقیة. ج ۸. بیروت: دارالعالم الاسلامی.
۱۹. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویة.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیة). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۴. مصطفی، ابراهیم. (۱۹۸۹م). المعجم الوسیط. استانبول: دارالدعوة.
۲۵. مکارم، ناصر. (۱۴۱۹). الفتاوی الجديدة. قم: موسسه امام علی (ع).



۲۶. موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۴ش). دانشنامه ایران. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۷. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۸ق). رجال النجاشی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲ش). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

